

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال شانزدهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۹۷-۱۳۱

مقاله پژوهشی

مادران جایگزین، انگیزه‌های تصمیم‌گیری و احساس تعهد:

یک نظریه زمینه‌ای

زهرا قانع مخلصونی^۱، حجیبه بی‌بی رازقی نصرآباد*^۲، عباس عسکری ندوشن^۳، احمد کلاته‌ساداتی^۴

چکیده

یکی از فناوری‌های جدید کمک باروری، رحم جایگزین، یا رحم اجاره‌ای است. هدف مطالعه، واکاوی یک خلأ پژوهشی در این زمینه، یعنی انگیزه‌های داوطلب شدن مادران برای اجاره رحم و نیز تعهدی است که آن‌ها در طول دوره بارداری تا وضع حمل در قبال کودک احساس می‌کنند. مطالعه به روش کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام گرفت. داده‌ها با دو تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بین ۱۲ مادر جانشین گردآوری شد. تحلیل‌ها براساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام و مدل پارادایمی ارائه گردید. برپایه یافته‌ها، در بستر فرهنگی ایران که ناباروری از دیرباز یک مسأله به شمار می‌رفته است، نیازها و تنگناهای اقتصادی مادران جانشین، تمایل و تقاضای زوجین نابارور به داشتن فرزند از طریق فناوری‌های کمک‌باروری به‌عنوان مؤلفه‌های ساختاری ایفای نقش می‌کنند. ارزش‌های فرهنگی جامعه همچون دینداری، آخرت‌گرایی و نوع‌دوستی از دیگر محرک‌های اقدام به این عمل می‌باشند. مهم‌ترین عامل مداخله‌گر، تنهایی و شبکه اجتماعی محدود و حمایت اجتماعی پایین است که زمینه را برای پدیده تحقیق یعنی "خیرمندی بدن" فراهم می‌کند. بدین معنا که مادران جایگزین نسبت به مراقبت از جنین حساس‌اند و تلاش می‌کنند که جنین را از نظر جسمی و معنوی مراقبت کنند. لذا، در اینجا نوعی خیر دوسویه را شاهدیم که بدن زنانه، واسطه اصلی آن است.

واژگان کلیدی: رحم اجاره‌ای، ناباروری، مادر جایگزین، خیرمندی بدن، احساس تنهایی، حمایت اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد zahraghane2@gmail.com

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور (نویسنده مسئول) hajjibeh.razeghi@nipr.ac.ir

۳ دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد aaskarin@yazd.ac.ir

۴ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد asadati@yazd.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.547593.1217>

مقدمه و بیان مسأله

ناباروری در بسیاری از جوامع و از جمله در جامعه ایران، دارای ابعاد با اهمیت اجتماعی و فرهنگی است. در بسیاری از خانواده‌ها ناباروری یک مشکل بزرگ است و باعث ایجاد تجربیات استرس‌زا و مشکلات روحی جدی می‌شود (میچل و فانتاسیا^۱ ۲۰۱۶). از زمان‌های اولیه، ناباروری وجود داشته و فرزندآوری و داشتن فرزند ارزش اجتماعی محسوب می‌شده است (صادقی و همکاران ۱۳۹۲). در سال ۱۹۷۸ برای اولین بار تکنیک لقاح آزمایشگاهی^۲ با تولد لوئیس براون^۳ در بیمارستان آلدهام^۴ در کشور انگلستان توسط پزشک رابرت ادوارد انجام شد و روش لقاح آزمایشگاهی از آن زمان سرآغازی برای غلبه بر مشکل ناباروری بوده است. امروزه با استفاده از این تکنیک حدود ۵ میلیون نفر در سرتاسر دنیا متولد شده‌اند و این روند همچنان رو به افزایش است (توچی^۵ و همکاران ۲۰۱۶، دی‌وال و مک‌کری^۶ ۲۰۱۸). از این‌رو، در دهه‌های اخیر تلاش‌های فراوان و موفقی جهت درمان ناباروری با استفاده از تکنیک‌های کمک باروری^۷ انجام شده است.

اصطلاح مادر جانشین^۸ یا مادر جایگزین یکی از راه‌هایی است که برای زنان ناباروری پیشنهاد می‌شود که به نوعی قادر به نگهداری جنین در رحم خود نیستند (صادقی و ملک‌احمدی ۱۳۹۲). نداشتن رحم مادرزادی، ناموفق بودن درمان‌های مکرر، سقط‌های مکرر، بیماری‌های قلبی و سرطانی و یا ساختمان غیرطبیعی رحم از جمله دلایل تصمیم به استفاده از فناوری‌های مادر جایگزین است. مادر جایگزین شخصی است که پس از لقاح اسپرم و تخمک، جنین به رحم وی منتقل می‌شود و او در طی ۹ ماه وظیفه نگهداری از جنین را بر عهده گرفته و پس از تولد، نوزاد را به والدین اصلی تحویل می‌دهد (صادقی و ملک‌احمدی ۱۳۹۲). استفاده از رحم جایگزین به دو صورت قابل انجام است:

1 Mitchell and Fantasia

2 In vitro fertilization (IVF)

3 Louise Brown

4 Oldham

5 Toschi

6 De Waal and McCarrey

7 Assisted reproductive techniques (ART)

8 Surrogate

۱) جزئی (نسبی یا سستی) که در این صورت مادر جانشین با پدر قانونی، والدین ژنتیکی کودک می‌باشند و از روش لقاح آزمایشگاهی برای کشت جنین استفاده می‌کنند.

۲) جایگزینی کامل که در این صورت مادر جایگزین هیچ ارتباط ژنتیکی با جنین نداشته و فقط جنین زوج دیگر را پرورش می‌دهد (محبی‌کیان، ریاضی و بشیریان ۱۳۹۲).

فناوری رحم جایگزین یا مادر جانشین یکی از زمینه‌های جدید فناوری‌های کمک باروری است که در جامعه ایران اصطلاحاً رحم اجاره‌ای گفته می‌شود. اگرچه، تصور اینکه یک زن ممکن است فرزندی را برای شخص دیگری به دنیا بیاورد، چیز تازه‌ای نیست، اما شواهد حاکی از آن است که با توسعه تکنولوژی، شیوه‌ها و مناسبات پیچیده‌تر امکان‌پذیر شده و استفاده از فناوری مادر جایگزین نیز روبه افزایش است (کوک، اسکاتلر و کاگاناس^۱ ۲۰۰۳).

آمارهای اندکی از رحم جایگزین وجود دارد، اگرچه به نظر می‌رسد به سرعت کاربرد آن در حال افزایش است. شمار نوزادان متولد شده به روش جایگزین در ایالات متحده آمریکا در طی ۴ سال (از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸) ۸۹ درصد رشد نموده است (گجوچوا^۲ ۲۰۱۰). گزارش مرکز کنترل و پیشگیری بیماری (CDC)^۳ و انجمن فناوری کمک باروری نشان می‌دهند که نوزادان متولد شده از رحم جایگزین در ایالات متحده در طی این چهار سال به‌طور تقریبی دو برابر شده‌اند و از ۷۳۸ نوزاد به ۱۴۰۰ نوزاد افزایش یافته است (گجوچوا ۲۰۱۰). فرایند رحم اجاره‌ای در کشورهایمانند آلمان و سوئد غیرقانونی است، همچنین قوانین خاصی در کشورهایمانند فرانسه، هلند، دانمارک، استرالیا و برخی ایالت‌های ایالات متحده وجود دارد (گلمبوک^۴ و همکاران ۲۰۰۴). ایران با حدود دو تا سه میلیون زوج نابارور، تنها کشور مسلمانی است که در آن فناوری‌های کمک باروری (ARTs) مشروعیت یافته و به قانون تبدیل شده است. این وضعیت کشور ایران را در موقعیتی منحصربه‌فرد در جهان اسلام قرار داده است (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۸). برطبق مطالعه تریمان و آخوندی^۵ (۲۰۱۶) ۶۱ کلینیک

1 Cook, Sclater & Kaganas

2 Gugucheva

3 Center for Disease Control

4 Golombok

5 Tremayne & Akhondi

ناباروری (۲۴ کلینیک دولتی و ۳۷ خصوصی) در تهران و همچنین در برخی از شهرهای بزرگ مانند اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد و یزد فعالیت می‌کنند.

موضوع رحم اجاره‌ای و توسعه روزافزون کاربرد آن، علاوه بر مسائل قانونی و حقوقی دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی مختلفی است و تحقیقات اجتماعی گسترده‌تر و عمیق‌تری را طلب می‌کند. هرچند تعدادی از مطالعات قبلی، احساسات و انگیزه مادران جایگزین را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تاکنون خلأ این قبیل پژوهش‌ها در بستر فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران مشهود است. علاوه بر این، مطالعات پیشین موجود در ایران، کمتر با ورود به میدان تحقیق به واکاوی بسترهای اجتماعی زندگی این مادران توجه نموده‌اند تا از این طریق، بتوان دلایل و انگیزه‌های اصلی آن‌ها برای داوطلب شدن به عنوان مادر جایگزین را مطلع شد. با توجه به این خلأ پژوهشی، تحقیق حاضر، درصدد است درک عمیق‌تری را از اهداف، انگیزه‌ها، و دلایل گروهی از زنانی که مبادرت به اقدام برای مادری جایگزین می‌کنند، حاصل نماید. پژوهش حاضر همچنین احساس تعهدی را که مادران جایگزین در طول دوران حاملگی، در قبال فرزندی که رحم اجاره‌ای خود پرورش می‌دهند، مورد واکاوی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر در پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد انجام گرفته است. استان یزد یکی از اولین مراکز معتبر درمانی ناباروری در ایران را راه‌اندازی نموده و در حال حاضر، قطب مهمی برای درمان ناباروری در کشور محسوب می‌شود. وجود سابقه و جایگاه معتبر این مرکز درمانی ناباروری در استان یزد، شرایط میدانی مناسبی را برای انجام پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی پیرامون رحم جایگزین به صورت کلی و برای موضوع اصلی مورد تمرکز مطالعه حاضر، یعنی انگیزه‌ها و دلایل واقعی مادران جایگزین فراهم نموده است.

به طور سنتی، بارداری در بسیاری از جوامع و از جمله در ایران، امری خصوصی تلقی می‌شد که تنها زوجین صاحب این اسرار بوده‌اند. اما امروزه این سر نهان و خصوصی به یک تکنیک پزشکی تبدیل شده است که فراتر از زوجین نابارور می‌رود و گاه با میانجی‌گری یک زن دیگر امکان‌پذیر می‌شود. ما در این مطالعه قصد بررسی این موضوع را داریم که چه عاملی سبب می‌-

شود شخص سوم خود را داوطلبانه معرفی کند؟ و یا چه عاملی باعث پذیرش این امر در بین زنان می‌شود؟ با توجه به اینکه زن داوطلب، خودش یک مادر است و از مشکلات و سختی‌های بارداری کاملاً مطلع است، اما چه می‌شود که این گزینه را آگاهانه انتخاب می‌کند؟ بسیاری از مطالعات موجود، دلیل اصلی این مادران را نیاز مالی گزارش کرده‌اند (گاناسون پین^۱ و همکاران، ۲۰۲۰، تمان و برند^۲ ۲۰۱۸، تمان ۲۰۰۹). اگرچه انگیزه اولیه، تعداد زیادی از مادران جایگزین، انگیزه مالی است، اما مادران دیگری هم وجود دارند که دلایل متفاوت دیگری برای این اقدام دارند. توجه به این گروه از مادران و شناخت انگیزه‌های آنان ضرورت دارد.

در بستر اجتماعی فرهنگی و جمعیتی جامعه ایران، فرزندآوری به‌عنوان یکی از ارزش‌های خانواده اهمیت دارد. در چارچوب سیاست‌های کلی جمعیت که در سال ۱۳۹۳ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد و همچنین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (آبان‌ماه ۱۴۰۰) بر افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی و کمک به زوجین نابارور تاکید شده است. در همین راستا، حمایت از زوجین نابارور و دسترسی آن‌ها به تکنولوژی‌های کمک باروری به یکی از اهداف و سیاست‌های مورد توجه برای متخصصان و برنامه‌ریزان این حوزه تبدیل شده است. در حال حاضر، تکنیک رحم اجاره‌ای نیز به‌عنوان یکی از روش‌های نوین کمک باروری مورد توجه زوجین نابارور و مراکز درمان ناباروری است. با توجه به این زمینه فرهنگی و جمعیتی و همچنین خلاء تحقیقاتی موجود در زمینه رحم اجاره‌ای، این مطالعه دلایل و انگیزه‌های مادران جانشین از این اقدام و بسترهای شکل‌دهنده به تصمیم مادران برای اجاره رحم را در قالب مدل پارادایمی به تصویر خواهد کشاند. به بیان روشن‌تر، پژوهش حاضر تلاش دارد شناخت علمی تازه‌ای را در خصوص این قبیل موضوعات فراهم نماید: استخراج انگیزه‌ها، دلایل اصلی و ذهنی مادران جایگزین از داوطلب شدن برای اجاره رحم، درک و شناخت چرایی اقدام به اجاره رحم، فهم میزان تعهد و احساس تعهدات مادرانه نسبت به مراقبت از نطفه فرزندی که در طول دوره حاملگی در رحم خود پرورش می‌دهند، و نهایتاً درک احساسات و فهم علقه‌های عاطفی که میان مادر جایگزین و کودک در دوران بارداری شکل می‌گیرد.

1 Gunnarsson Payne

2 Teman & Berend

پیشینه تحقیق

دلایل و انگیزه‌های مادران جایگزین برای اقدام به اجاره رحم و همچنین احساس تعهد آنان نسبت به مراقبت و پرورش کودک در طول دوران بارداری، دو محور اصلی مورد تمرکز در این مقاله است. بنابراین به دلیل گستردگی مطالعات در زمینه ناباروری، تنها به چند نمونه از آن‌ها اشاره خواهد شد.

جدول ۱- خلاصه‌ای از پیشینه پژوهشی موجود در موضوع مادران جایگزین

عنوان	پژوهشگران	سال انتشار	نتیجه / پیام کلیدی تحقیق
سخنی پیرامون رحم جایگزین در ایران	گرمارودی	۱۳۸۷	انگیزه مادران به دو نوع تقسیم‌بندی می‌کنند ۱- بیشتر نیاز مالی ۲- کمک به دوستان
پدیدارشناسی تجربیات مادران جایگزین در زمینه رحم اجاره‌ای	صادقی، یزدخواستی، ملک‌احمدی، عبدالهی	۱۳۹۲	دلیل اصلی مشکلات مالی اما حس نوع دوستانه بی‌تاثیر نبوده است.
روش کمک باروری مادر جایگزین در ایران: تجاری یا انسان‌دوستانه؟	گنجعلی خانی آرامش بابایی	۱۳۹۲	از آنجایی که درمان ناباروری با استفاده از روش مادر جایگزین در ایران در حال افزایش است، لازم است تا روش انسان‌دوستانه جای روش تجاری را بگیرد.
فرهنگ رحم اجاره‌ای در جامعه ایرانی شهر تهران	دادخواه عسکری خانقاه باصری میراسکندری	۱۳۹۹	اگرچه از طریق اجاره رحم مادران دارای فرزند می‌شوند اما مادری خود را ناقص انگاشته و به همین جهت به پرستاری و مراقبت از مادران جایگزین می‌پردازند که این عامل سبب کالایی شدن فرآیند فرزندآوری و مادری می‌شود
داستانی عاشقانه از مادر جایگزین	برند	۲۰۱۲	مادران جایگزین این کار را تحت عنوان مسافر عشق بیان کرده و همین عامل سبب می‌شود تا بارها این کار را تکرار کند، انگیزه بازاری و تجاری نداشته و بیشتر حس نوع‌دوستانه دارند.

ادامه جدول ۱- خلاصه‌ای از پیشینه پژوهشی موجود در موضوع مادران جایگزین

عنوان	پژوهشگران	سال انتشار	نتیجه / پیام کلیدی تحقیق
گردشگری بارداری از طریق انسان‌شناسی	راهیل	۲۰۱۶	تاکید بر سفرهای درمانی مادران جایگزین و اینکه این سفرها در حال افزایش است که سبب طبقه‌بندی، استعمار، ملی‌گرایی و نژادپرستی می‌شود.
تقاضای جهانی برای فناوری کمک باروری: سفر تولیدمثل برای درمان ناباروری و بی‌فرزند ناخواسته	ویتاگر اینهورن شنفیلد	۲۰۱۹	انگیزه سفرهای تولیدمثل متفاوت است. همچنین ملاحظات اخلاقی مهمی وجود داشته که با موضوعات قدرت و جنسیت، نابرابری اجتماعی، سرمایه‌داری جهانی که به دنبال تشکیل خانواده هستند دست و پنجه نرم می‌کند.

جدول ۱ نشان می‌دهد مطالعات انجام شده در زمینه انگیزه مادران جایگزین به دلایل مالی، استعمار اجتماعی، طبقه‌بندی اجتماعی و در سطح بالاتر به حس نوع‌دوستانه پرداخته‌اند. این انگیزه‌ها در هم ادغام شده و دلیل قبول این امر را تشکیل می‌دهند. برنر (۲۰۱۲) دلیل مادران را عشق به کودک و حس نوع‌دوستانه می‌داند، در مطالعه گرمارودی (۱۳۸۷) و صادقی و ملک‌احمدی (۱۳۹۲) نیاز مالی را عامل اصلی تعریف می‌کنند. با این حال، پژوهش‌های انجام گرفته به ندرت به زندگی شخصی مادران ورود کرده تا عمق داستان را مطلع شوند و عوامل مهمی که در این تصمیم‌یافتی نقش می‌کنند را استخراج کنند. وجود چنین خلاء پژوهشی، باعث شد تا محققان درصدد برآیند براساس یک رویکرد کیفی و انسان‌شناختی به واکاوی بسترهای شکل‌دهنده به تصمیم زنان برای اقدام به اجاره رحم و استنباط دلایل و انگیزه‌های ذهنی آنان در این زمینه بپردازند.

چارچوب مفهومی

پرداختن به دیدگاه‌های نظری مرتبط با موضوع، در تحقیقات کیفی، از قبیل مطالعه حاضر، عمدتاً به‌عنوان راهنمای محقق برای ورود به عرصه و میدان تحقیق تلقی می‌شود. زیرا به‌ویژه در

تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، نهایتاً نظریه تحقیق از دل پژوهش میدانی باید پایه‌ریزی و استخراج گردد. با این اوصاف، در این قسمت تعدادی از نظریه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، که بتواند به محققین برای شناخت بهتر موضوع، برای ورود به میدان و انسجام بخشی بهتر ذهنی محققین کمک نماید، معرفی می‌گردد.

به‌طور کلی، از آنجا که در بسیاری از موارد، زنانی که به اجاره رحم روی می‌آورند، از طبقات پایین اجتماعی هستند، چند دیدگاه و گفتمان رقیب پیرامون این موضوع شکل گرفته است. یک دیدگاه بر این باور است که زنان فقیر از سر ناامیدی به مادر جایگزین تبدیل می‌شوند و وقتی این نقش را بر عهده می‌گیرند، حقوق آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. این دیدگاه منجر به ادعاهایی مبنی بر استثمار چنین زنانی، به‌ویژه در طبقات کم درآمد جامعه شده است. دیدگاه رقیب دیگر، رحم جایگزین را به عنوان فرصتی برای توانمندسازی زنان فقیر توصیف می‌کند، زیرا امکان به دست آوردن منافع مالی قابل توجه و دستیابی به استقلال فردی و اجتماعی را برای آنان فراهم می‌کند (آویدسون و همکاران ۲۰۱۷).

منتقدین سرسخت اجاره رحم، مبادله پول و تجارت در این زمینه را تحت عناوینی مانند سرمایه‌داری تجاری اجاره رحم از زوایای مختلف مورد حمله و نقد جدی قرار می‌دهند. عمده این نقدها متوجه آسیب دیدن مادران جایگزین، کالایی شدن بدن زنان، و استثمار مادران جایگزین است (ویلکینسون ۲۰۰۳؛ آرنسون ۱۹۹۲؛ کریا ۱۹۸۶). طرفداران این دیدگاه، عمدتاً دارای گرایش‌های فکری مارکسیستی و فمینیستی هستند. به اعتقاد آن‌ها، فرآیند بچه‌دار شدن از طریق فناوری‌های مادر جانشین، به یک بازار تجاری تبدیل شده و سبب کالایی شدن بدن زنان شده است. به‌گونه‌ای بدن زنان به مثابه یک کالا و به ازای پرداخت هزینه‌ای در قبال نگهداری کودک در دوران جنینی، خرید و فروش می‌شود. تحلیل‌گران مارکسیست‌گرا بر این باورند که مادران جایگزین، معمولاً زنانی از طبقه پایین اجتماع هستند (بلیوتی^۱ ۱۹۸۸) و فرآیند اجاره رحم، اسباب بهره‌کشی از آنان را در اجتماع را فراهم می‌کند. زیرا تنها هدف مالی، محرک آنان

1 Belliotti

برای اقدام به این عمل خواهد بود. علاوه بر این، برای طرفداران این دیدگاه، یک اصل مهم مورد تأکید دیگر، بیگانگی است. بیگانگی نشان دهنده وضعیت اجتماعی عینی طبقه کارگر است (مارکس^۱ ۱۸۴۴) طرفداران این گفتمان، کودک متولد شده در فرایند مادر جایگزین را همان کالای تولید شده‌ای می‌دانند که والدین بیولوژیکی با او بیگانه‌اند، زیرا در روند تولید این کودک نقشی ندارند و کودک در طول مدت رشد جنینی نیز با مادر بیولوژی خود در ارتباط نیست. آنان این چشم‌انداز سرمایه‌داری برای طبقه کارگر (رحم اجاره‌ای) را مورد انتقاد قرار داده و با این فناوری‌ها مخالف‌اند (اورال ۱۹۸۷).

دیدگاه فمینیستی سلطه مردانه را به چالش می‌کشد و با آن مخالفت می‌کند. قطعاً اصرار برای به رسمیت شناختن "مشارکت زنان در امرار معاش و سهم آن‌ها در فرزندآوری" بخشی از فعالیت‌های فمینیستی است (هارتسوک^۲ ۱۹۸۳). فمینیسم یک نقد همه‌جانبه از سلطه مردان است؛ در هر کجا که باشد و به هر صورت که جلوه داده شود. (تامپسون^۳ ۲۰۰۱). این مکتب تنها در جهت توجه به زنان و منافع اجتماعی و فردی آنان است. در طیف رادیکال این جنبش، حتی با این موضوع که زنان باید مسئولیت باروری و تولیدمثل را بر عهده بگیرند، مخالفت می‌شود. آن‌ها معتقدند چرا باید باروری تا این اندازه مهم باشد که یک زن بدنش را به هر شیوه‌ای تغییر دهد تا صاحب بچه شود و یا از زوایه دیگر، چقدر این موضوع اهمیت دارد که حاضر است حتی زنی دیگر این اقدام را برایش انجام دهد تا او لقب مادر را دریافت کند. دیدگاه فمینیستی معتقد است که فرآیند مادر جایگزین شدن سبب کالایی شدن زنان و کودکان شده است. زیرا ظرفیت باروری زنان را با حوزه خریداری مردان مرتبط می‌داند. همچنین اگر جنین به هر دلیلی سقط شود، هزینه و خدمات مادر جایگزین نادیده گرفته شده و جزئی از آن پرداخت می‌شود که در این صورت حق او ضایع می‌گردد. فرآیند مادر جایگزین، سبب محروم شدن زنان و اولویت بخشیدن به مردان می‌شود زیرا نابرابری گسترده‌ای در چانه‌زنی بر سر قیمت وجود دارد و باز زنان در این مهلکه شکست می‌خورند (بلیوتی ۱۹۸۸)

1 Marx

2 Hartsock

3 Thompson

تحلیل‌گران در گفتمان رقیب، دیدگاهی کاملاً متضاد دارند و براین باورند که اجاره رحم، ظرفیتی را برای توانمندسازی زنان و ارتقاء منزلت آنان در جامعه ایجاد می‌کند. در این گفتمان، نگاه استثمارگرایانه به مادر جایگزین، مبتنی بر پیش‌فرض‌ها و استدلال‌های نادرست متعددی دانسته شده و رد می‌شود (پوردی^۱ ۱۹۸۹؛ ویلکینسون ۲۰۰۳). در این گفتمان، تأکید می‌شود که اگر قرار باشد استثماری از طریق مادر جایگزین شدن اتفاق بیفتد، این استثمار به اشکال بسیار متنوع دیگری نیز می‌تواند برای زنان فقیر در اجتماع رخ بدهد و از اینرو، شاید از میان آن‌ها، اجاره رحم کم‌ضررترین باشد (ویلکینسون ۲۰۰۳). بنابراین، تلاش‌ها باید در جهت محو یا کاهش استثمار زنان به شیوه‌های دیگر باشد و با تلاش برای تغییر شرایط زمینه‌ای جامعه (مانند توزیع نابرابر قدرت و ثروت)، بتوان برای زنان منابع درآمدی غیراستثمارگرایانه تأمین نمود. براساس این گفتمان، مسئولیت فرزندآوری، همواره بر دوش زنان بوده و زنان تاکنون این کار را به صورت رایگان انجام می‌داده‌اند. اما، در موضوع اجاره رحم، تنها اتفاقی که افتاده است، مسئولیت فرزندآوری از یک زن نابارور به زن دیگر منتقل شده است (ویلکینسون ۲۰۰۳). به باور این گروه، مادر جایگزین شدن، ظرفیتی را برای توانمندی زنان فراهم می‌کند و به ارتقاء پایگاه آن‌ها در جامعه کمک می‌کند. از اینرو، دریافت پول در قبال به دنیا آوردن فرزند، را می‌توان یک "کارآفرینی مفید اجتماعی" (پوردی ۱۹۸۹: ۳۴) دانست که فرجام آن به تولد فرزندان منتهی می‌شود که سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمندی برای جامعه‌اند.

در کنار این دو گفتمان رقیب، دیدگاه‌های نظری دیگری نیز در این زمینه موجودند. نظریه طرد اجتماعی، به پیامدها و اثراتی که رحم اجاره‌ای بر مادران دارد، توجه می‌نماید. طرد اجتماعی، گسست روابط اجتماعی است. این امر، فرآیندی از کاهش مشارکت اجتماعی، دسترسی و همبستگی است. در سطح اجتماعی، این امر با انسجام یا یکپارچگی ناکافی منعکس می‌شود. در سطح فردی، با کمبود ظرفیت برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی که به‌طور هنجاری برای معنی‌دار ساختن روابط اجتماعی انتظار می‌رود، انجام می‌شود (سیلور^۲ ۲۰۰۷).

1 Purdy

2 Ritzer

برخی محققین در تعریف طرد اجتماعی، به ناتوانی در اعمال حقوق اجتماعی شهروندان اشاره دارند که از جمله شامل حقی برای استانداردهای مهم معیشت نیز می‌شود. این رویکردها، طرد اجتماعی را مترادف با فقر و محرومیت می‌بینند. در تعریفی دیگر، بر اهمیت انتخاب فردی تاکید می‌شود، اگر فردی مشمول دسترس‌پذیری است، این فرد نمی‌تواند طرد شده باشد، این رویکرد بر طرد از فرصت‌ها، و یا همانا وجود تبعیض‌ها تاکید دارد. با این حال، معنای اصلی طرد اجتماعی بر فاصله اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و یکپارچگی ناکافی تاکید دارد (سیلور ۲۰۰۷).

بر اساس نظریه برچسب‌زنی^۱، بدنامی یا انگ اجتماعی، هزینه‌ای است که فرد برچسب‌خورده می‌پردازد. انگ اجتماعی را می‌توان درجه بی‌ارزشی، طرد، تبعیض و از دست دادن پایگاه برای افرادی دانست که یک صفت و یا رفتار نامطلوب به آنان نسبت داده شده است (پیتون و توییس^۲ ۲۰۱۱). بدنامی و انگ اجتماعی بیش از آنکه ناشی از کیفیت ذاتی یک خصلت با خود رفتار باشد، از تعاریف ساخته شده توسط جامعه سرچشمه می‌گیرد (گافمن^۳ ۱۹۵۹). بدنامی به‌عنوان یک واکنش اجتماعی، موجب تباهی و تخریب هویت فرد می‌شود. انگ‌خوردگی می‌تواند پیامدهای عاطفی، شناختی و رفتاری زیادی داشته باشد و حتی سلامت عمومی و رفتار افراد انگ‌خورده را به مخاطره اندازد. در چنین شرایطی، افراد ممکن است به‌خاطر بدنامی، کنار گذاشته شده، نادیده گرفته شوند و یا هدف خشونت‌های فیزیکی قرار گیرند. همچنین استرس و اضطراب به‌عنوان پیامد منفی ناشی از داغ‌خوردگی، وضعیت روانی و هویت اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (علی‌وردی‌نیا، جانعلیزاده چوب‌بستی و جعفری ۱۳۹۱). مادران جایگزین نیز چون در اجتماع در نزد عموم پذیرفته شده نیستند، با اقدام به این کار خود را برچسب‌خورده و انگ‌خورده به حساب می‌آورند و تمایل دارند که به دور از سایر افراد و به‌طور مخفی این اقدام را انجام دهند و پس از ۹ ماه بارداری و تحویل کودک به زندگی عادی خود نیز باز گردند. این پیامدها ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه است و سبب می‌شود تا به دامنه منفی این امر افزوده شود. این نظریه می‌تواند چالش‌های مادران و زوجین نابارور را تا حدودی تبیین کند.

1 Stigma

2 Payton & Thoits

3 Goffman

روش و داده‌های تحقیق

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای^۱ است که در شهر یزد انجام شد. شهر یزد یکی از قطب‌های درمان ناباروری در ایران است. شرکت‌کنندگان شامل ۱۲ زن (مادر جایگزین) بودند که در بازه زمانی شهریور تا دی‌ماه ۱۳۹۹ به پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد مراجعه کردند. معیار ورود به این تحقیق مادران جایگزینی بودند که حداقل تجربه یکبار مادر جانشین شدن را داشته‌اند. این مطالعه براساس مصوبه ۱۳۹۸،۰۸،۱۲ کمیته اخلاق در پژوهش‌های زیست پزشکی دانشگاه یزد، داری شناسه اخلاق IR.Yazd.Rec.1398.031 می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و جمع‌آوری داده‌ها با دو روش مشاهده مشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت.

در این تحقیق مشاهده‌گر در ابتدا ساعت‌ها در پژوهشکده به عنوان عضوی از آن اجتماع می‌نشست و تمام رفتارهای مراجعه‌کنندگان را زیر نظر داشت. این مشاهدات به صورت ناشناس و به‌گونه‌ای انجام می‌گرفت تا هر شخص رفتار عادی خود را جلوه دهد یا در برخی مواقع به عنوان یک مراجعه‌کننده، حاضر می‌شد تا بتواند با مادران جایگزین ارتباط راحت‌تر و صمیمانه‌تر برقرار کند. به‌طور متوسط ۵۰ ساعت مشاهده مشارکتی انجام گرفته تا بتوان به درک واقعی سخنان مصاحبه‌شوندگان دست یافت. علاوه‌براین، در چندین مورد محقق به منظور مصاحبه با مشارکت‌کنندگان با اجازه از آن‌ها به منزل‌شان مراجعه می‌کرد و از نزدیک در جریان وضعیت زندگی آن‌ها قرار می‌گرفت.

میدان مشاهدات مشارکتی محقق عبارت بود از: ۱- پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد ۲- مطب خصوصی پزشک متخصص ۳- منزل شخصی مادران جایگزین، که به اختصار هر کدام را توضیح خواهیم داد.

- پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد: این پژوهشکده، در سال ۱۳۶۸ (هجری شمسی) در شهر یزد به همت و پیگیری جمعی از متخصصین دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد تأسیس گردید.

هدف از شکل‌گیری چنین مرکزی در ابتدای امر، پایه‌گذاری تکنولوژی برتر در درمان ناباروری در کشور برای اولین بار، فراهم آوردن امکانات لازم جهت توسعه این دانش در استان و کشور و درمان زوجین ناباروری بود که برای درمان مجبور به مسافرت به کشورهای اروپایی بودند. در حال حاضر سالیانه بالغ بر ۱۴۰۰۰ زوج جهت درمان ناباروری به این مرکز مراجعه می‌کنند.

- مطب پزشک متخصص: این مطب در یک ساختمان پزشکان در مرکز شهر یزد قرار دارد.

- منزل شخصی مادران جایگزین: در این تحقیق، محقق تنها توانست به منزل ۳ مادر جایگزین برود (به دلیل شیوع کرونا باقی شرکت‌کنندگان در تحقیق تمایلی به حضور محقق در منزل شخصی نداشتند). منزل یکی از پاسخگویان در یکی از دهکده‌های نزدیک شهر یزد واقع بود. این منزل یک ساختمان نیمه‌سازی بود که تنها یک اتاق آن درب و پنجره داشت و مناسب خواب و زندگی بود که البته درب ورودی اتاق را با پتو بسته بودند. این ساختمان بدون آب و بدون گاز و ضروریات اول زندگی بود. صاحب‌خانه با آتش غذا درست می‌کرد و گرمای خانه‌اش را با آتش تامین می‌کرد و با آبی که از جوی جلوی خانه عبور می‌کرد آب خود را تامین می‌کرد. این زن حتی گاز و یخچال نداشت و اتاقش با روفرشی، فرش شده بود.

منزل پاسخگوی دیگری در یکی از محله‌های دور افتاده یزد قرار داشت. این منزل از ضروریات زندگی برخوردار بود و زندگی متوسطی را داشتند. از بوی غذا و چیدمان منزل مشخص بود که شرایط نابسامانی را ندارند. در این خانه تلویزیون، میز مرتبط با آن، مبلمان سلطنتی، پرده‌هایی زیبا، تخت خواب بزرگ در اتاقی بزرگ، حیاطی زیبا و آشپزخانه‌ای روبه‌راه داشت. این زندگی کاملاً برقرار بود و تنها نکته آن این بود که در محله‌ای در حاشیه شهر قرار داشت.

منزل سوم در یکی از خیابان‌های معروف یزد بود. این خانه تازه‌ساز و با لوازم نو و جدید چیدمان شده بود. این خانه از امکانات رفاهی کاملی برخوردار بود و حتی لوازم تشریفات زندگی هم در آن خانه وجود داشت.

این سه منزل مشاهده مشارکتی محقق بود که زندگی اشخاص را توصیف می‌کرد که آن زن به دلیل نیاز مالی مادر جایگزین شده یا برای رفاه بیشتر و یا برای کمک و حس نوع دوستی. علاوه بر

تکنیک مشاهده‌ی مشارکتی، به‌طور هم‌زمان، استفاده از مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته نیز دومین روش جمع‌آوری داده‌ها بود. مصاحبه‌ها با ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان انجام شد (جدول ۱).

جدول ۲: مشخصات نمونه‌های تحقیق

شماره نمونه‌ها	سن	محل اقامت	وضعیت تاهل	تعداد فرزند
۱	۴۲	یزد	بیوه	۲
۲	۳۳	روستاهای یزد	مطلقه	۲
۳	۳۵	روستاهای یزد	مطلقه	۱
۴	۳۲	روستاهای یزد	متاهل	۱
۵	۳۲	بندرعباس	متاهل	۳
۶	۳۷	اصفهان	مطلقه	۱
۷	۳۵	یزد	مطلقه	۱
۸	۳۵	مشهد	متاهل	۴
۹	۳۱	کرمان	متاهل	۲
۱۰	۲۷	یزد	مطلقه	۱
۱۱	۳۰	روستاهای یزد	مطلقه	۱
۱۲	۴۲	یزد	متاهل	۲

هر مصاحبه ۲/۵ تا ۳ ساعت طول می‌کشید و محقق اجازه می‌داد تا در صورتی که از اهداف اصلی تحقیق نیز دور نمی‌شد هر صحبتی که مادر جایگزین دوست دارد بیان کند، مصاحبه‌ها با سوالاتی از قبیل زیر آغاز می‌شد: همیشه از اولین تجربه آشنایی‌ات با این فرآیند بهم بگی؟ ممکنه بگی چی شد که به سمت مادر جایگزینی اومدی؟ ممکنه بیشتر درباره تجربیاتت بدونم؟ زمان بارداری چه حسی داری؟ به کودک چه احساسی داری؟ ترتیب پرسش سوالات مهم نبود و به فرآیند مصاحبه بستگی داشت. محقق سعی می‌کرد در یک محیط خلوت و امنی به مصاحبه بپردازد. تمام مصاحبه‌ها با اطلاع و کسب اجازه از شرکت‌کنندگان ضبط شده و سپس بازنویسی شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گرند تئوری یا همان نظریه زمینه‌ای استفاده شد (کوربین و اشتروس^۱ ۲۰۱۴). به این معنا که در ابتدا صحبت‌های شرکت‌کنندگان دارای ده‌ها یا صدها مفهوم بود. این مفاهیم باید طبقه‌بندی شوند، بگونه‌ای که مفاهیم مشترک و مشابه در یک طبقه قرار بگیرند. با این کار می‌توان به شباهت میان دسته‌ها پی برد و به یک مقوله مشترک بین تمامی دسته‌ها دست یافت. سپس محقق به توصیف مفصل و کاملی از پدیده می‌پردازد. علاوه بر این محققان تلاش کردند تا یک مدلی از مفاهیم و مضامین احصاء شده راجع به انگیزه مادران مشارکت‌کننده در تحقیق ارائه کنند. این مدل پارادایمی خلاصه شده تمام مقولات و مفاهیم تحقیق است و آن‌ها را در بر می‌گیرد که در انتها به آن اشاره خواهد شد.

اعتبار تحقیق حاضر، نیز با مشورت سایر کادر پزشکی و ضبط داده‌ها بدست آمد، بدین‌گونه که محققان پس از انجام تحلیل، نتایج را با کادر درمان و مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته و آنان نیز صحت داده‌ها را تایید کردند. برای طراحی الگوی پارادایمی در این تحقیق، باتوجه به رویکرد نظریه زمینه‌ای ابتدا مضامین احصاء و سپس مدل پارادایمی تحقیق براساس زمینه، عوامل مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها ارائه گردید.

یافته‌ها

تحلیل‌ها نشان داد که مشارکت‌کنندگان دلایل متفاوتی از اقدام به مادر جایگزین شدن ارائه می‌دهند، با توجه به مشاهدات صورت گرفته و نیز مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان دلایل اقدام مادران جایگزین را به چند مقوله تقسیم نمود. این دلایل، شامل ۳۳ مفهوم، ۱۵ زیرمقوله و ۵ مقوله اصلی است. مقولات اصلی عبارتند از: نیاز مالی، همدلی، عدم حمایت اجتماعی، پاداش اخروی، تعهد و مراقبت. (جدول ۳).

جدول ۳- دلایل مادران جایگزین برای اقدام به اجاره رحم

مقوله	زیر مقوله‌ها	مفهوم
نیاز مالی	رفاه بیشتر، فشار مالی، تأمین نیازها، استقلال مالی	راهی برای گریز از تنگنای مالی، تمایلات مالی بیشتر، نیاز شدید مالی، توافق مالی در حد رفع نیازش، تأمین مایحتاج زندگی، روحیه استقلال طلبی، استقلال زنانگی
همدلی	دلسوزی، فداکاری	دلرحمی، دلرحمی خواهرانه، کمک به هم نوع، دلسوزی برای هم نوع
عدم حمایت اجتماعی	تنهایی، عدم حمایت خانواده، آسیب پذیر بودن، عدم حمایت همسر	عدم ارتباط با اطرافیان، پرکردن خلاء تنهایی، کناره‌گیری خانواده، عدم حمایت اجتماعی خانواده، شکست‌خورده زندگی، سختی دیده اجتماع، عدم پشتیبانی همسر، بی‌کفایتی و عدم مدیریت در زندگی همسر
پاداش اخروی	ثواب کردن، برکت‌دار بودن، انجام عمل خیر	انگیزه همزمان مالی و معنوی، بعد معنوی، برکت‌دار بودن حق الزحمه مادران، عوض شدن زندگی مادران با برکت این پول، مهم بودن دعای خیر، دعای خیر مساوی با پیشرفت زندگی، ترس از به خطر افتادن سلامت همسر و اعتقاد به کمک خداوند، اهمیت رضایت خدا در این کار
تعهد و مراقبت	حس تعهد معنوی نسبت به فرزند حس تعهد شخصی	اهمیت فرزند، جایگاه مادری، حس تعهد نسبت به سلامتی فرزند، درک احساس زوجین، حس تعهد همسر، کوتاهی نکردن شخص، دعا و نیایش در دوران بارداری

(۱) نیاز مالی

مصاحبه با شرکت‌کنندگان این مطالعه نشان داد مهم‌ترین انگیزه مادران جایگزین، انگیزه مالی است. زیرا تعدادی از افراد نمونه، زنانی بیوه یا مطلقه هستند که در پاره‌ای موارد برای امرار معاش و رفاه حال کودکان خویش مجبور به این کار می‌شوند. البته ناگفته نماند که در برخی از موارد هم مادران جایگزین برای رفاه بیشتر (و تأمین نیازهایی مانند خرید خانه، ماشین) داوطلب این کار می‌شوند. محیط اجتماعی و فرهنگی، محدودیت‌هایی را برای دستیابی به فرصت‌های

شغلی برای زنان مطلقه و بیوه در جامعه به وجود آورده است. با وجود این شرایط، زنان برای این که بتوانند عفت و حیای زنانه خویش را حفظ کنند و از نگاه‌های افراد جامعه به دور باشند، ترجیح می‌دهند داوطلب مادر جایگزین شوند تا هم کسب درآمد حلال داشته باشند و هم از خانه خود بیرون نمی‌روند و در اجتماع نیستند و هم در کنار فرزند خویش زندگی طبیعی‌شان را سپری می‌کنند. انگیزه مالی شدید این زنان، این محیط را تبدیل به بازار کرده است. مانند یک رابطه تجاری که بر سر قیمت چانه‌زنی می‌شود و یا بخاطر طمع مالی این کار را چندین مرتبه تکرار می‌کند و یا حتی ممکن است قیمت‌ها از شهری به شهر دیگر نوسان داشته باشد.

از طرفی دیگر، مادران جایگزین از استقلال خاصی برخوردار هستند. با توجه به این که برخی از این زنان حامی خاصی ندارند و یا مایلند که روی پای خود بایستند و استقلال خود را حفظ کنند، آن‌ها ترجیح می‌دهند که خودشان زندگی را اداره کنند و بدون نیاز به افراد دیگر زندگی کنند. اگرچه در برخی موارد با خانواده یا با دوستان هستند، اما ترجیح می‌دهند تنها به خودشان تکیه کنند. در برخی از موارد مادران جایگزین چون دوست و خانواده‌ای در آن شهر ندارند و تنها زندگی می‌کنند برای یافتن دوست و شغل داوطلب این کار می‌شوند. هرچند در ظاهر، برای این زنان، افکار و حرف‌های مردم بی‌اهمیت است و اعتنایی به افکار مردم ندارد، اما باز هم تمایل به اختفا و پنهان‌سازی این اقدام دارند. تعدادی از این زنان از چنان روحیه‌ای برخوردارند که اجازه نمی‌دهند کسی در زندگی آنان دخالت کنند و از زندگی‌شان باخبر باشد، آنان به شدت روحیه‌ای استقلال‌طلبانه دارند. مشارکت‌کننده شماره ۱ در رابطه با نیاز مالی‌اش می‌گوید:

"بارداری سخت هست. ولی سخت‌تر این هست که جلوی بچه‌ات شرم‌نده بشی تا به ناچاری نیفتی. کاری نمی‌کنی. ولی وقتی ناچار شدی و می‌دونی کار حلالی هست، دیگه انجامش میدی. من فقط مالی. از بارداری قبل ماشین خریدم و این یکی خونه خریدم که مستقل بشم."

شاهد مشاهده مشارکتی (نیاز مالی و استقلال مالی): چهارشنبه ساعت ۸ شب روز ۹۹/۹/۲۶، مطب پزشک مربوطه، دیگه آخر وقتای مطب بود و منشی در حال جمع و جور وسایل و آخرین بیمار داخل مطب بود که ناگهان یک زنی وارد مطب شد. این زن از ظاهرش

خیلی آدم حساسی به نظر می‌ومد. جلو رفت و جوری که با منشی صحبت کرد که مشخص بود از قبل باهم دوست هستند و منشی گفت: برو دم در و ایسا به محضی که مریض اومد بیرون تو برو داخل. گوشی همراه برند دستش بود، کیف و کفش چرم ست، شال مارکدار و مانتویی طرح سنتی که کاملا مشخص بود خیلی گران‌قیمت هست. وقتی آن زن رفت از منشی پرسیدم این دوست تون بود؟ گفت:

"یه جورایی آره، چند سال پیش، این زن از شوهرش طلاق گرفت چون شوهرش معتاد بود، خیلی وضع زندگیش بد شده بود من هم بهش پیشنهاد دادم بیاد رحم اجاره‌ای بشه، اونم اومد و الان چندساله تو این کار هست، البته کار فروشندگی هم می‌کنه، الان وضعش از من منشی بهتره، می‌بینی که سر و وضعشو".

۲) انگیزه همدلی

علاوه بر انگیزه مالی، حس همدلی در بین مادران جایگزین با زنان نابارور بسیار مشهود است. این مادران چون خود یک مادر هستند و از نعمت فرزند برخوردارند و فواید روانی داشتن فرزند را تجربه کرده‌اند به همین سبب کسی که از این حس محروم است را درک می‌کنند و برای او به‌عنوان یک زنی که مادر نمی‌شود، دل‌سوزی و هم‌دلی می‌کنند. آن‌ها دوست دارند تا دل آن زن نابارور را شاد کنند. اگر این رابطه مسالمت‌آمیز باشد، مادر جایگزین با زنان نابارور همراهی می‌کند و سعی می‌کند هر جور شده دل او را شاد کند. به گفته خود مادران، وقتی زنان نابارور با آنان درددل می‌کنند، آن‌ها دل‌شان برای‌شان می‌سوزد و تمایل بیشتر برای مادر جایگزین شدن دارند. دوست دارند همه طعم مادر شدن را بچشند. گاهی مادران جایگزین به‌دلیل حس خویشاوندی که دارند داوطلب می‌شوند. ممکن است برای خواهرش و یا برای نزدیکانش این کار را انجام دهد و تنها هدف او کمک به زن نابارور باشد و اصلا به جنبه‌های مالی توجهی نکند. او تنها برای ثواب و باز کردن دریچه امید به زندگی زوج نابارور داوطلب می‌شود. شرکت‌کننده شماره ۱۱ در رابطه با حس همدلی می‌گوید:

"راستش اول نیتم کمک بود. کمک به کسی بشه که هیچ وقت قرار نیست مادر بشه. شاید اینجوری بتونه طعم مادری را بچشه. همچنین وی در رابطه با تنهایی‌اش می‌گوید: من خودم تنها زندگی می‌کنم و کسی دور و برم نیست که متوجه این کار بشه. من تنهاییم، با این کار پر میشه. به نظرم این ۹ ماه خیلی سخته ولی زندگی خواهرم خیلی بدتر و سخت‌تر هست. وقتی من برایش بچه بیارم، ارزشش بیشتر از اینا داره و یه عمر راحت میشه."

شاهد مشاهده مشارکتی (فداکاری): دوشنبه ساعت ۳ بعداز ظهر روز ۹۹/۷/۶ پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد، یک زن برای خواهرش داوطلب رحم اجاره‌ای شده است. با گوشی همراهش در حال صحبت کردن بود که می‌گفت:

"داداش دعا کن بگیره، خودت داری می‌بینی مریم (خواهرش) خیلی داره اذیت میشه، دیروز بهم می‌گفت شوهرش گفته میره دوماد می‌شه، تا حالا هرچی سختی کشیده به ما نمی‌گفته، بمیرم تو دلش می‌داشته و به رومون نمی‌آورده، خیلی واسمون دعا کن، دعا کن دوباره زندگیش مثل اولش شیرین بشه."

۳) حمایت اجتماعی پایین

همان‌طور که گفته شد، مادران جایگزین از تنهایی خویش رنج می‌برند. در چند مورد مشاهده شد که چون احساس تنهایی داشته به این کار روی آورده است. و حتی می‌گوید تنهایی من با این‌ها پر می‌شود. آنان از حمایت خانواده برخوردار نیستند، یا از همسر خویش ناراضی‌اند و این برای یک زن طاقت‌فرسا خواهد بود. هر کاری حاضر است انجام دهد تا تنهایی و بی‌کسی او برطرف گردد و این حس تنهایی از او دور بماند. شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم رفته-رفته این زنان را از اجتماع و خانواده دور می‌کند و هر روز خلأ تنهایی را بزرگ‌تر خواهد کرد. هرچند برخی از این موارد، این تنهایی را یک فرصت دانسته تا مادر جایگزین شوند.

همان‌طور که گفته شد، بیشتر مادران جایگزین، زنانی هستند که یا از خانواده‌ها رانده شده‌اند و یا زندگی زناشویی ناموفقی داشته‌اند. برای همین مجبور می‌شوند تا بار سنگین زندگی را تحمل کنند و به قول خودشان شانه زیر بار بگذارند. بعضی از آنان تنها با هدف کسب درآمد برای ادامه

زندگی بچه‌های‌شان دست به این کار می‌زنند. آنان چون هیچ پشت و پناهی ندارند، خودشان دست به کار می‌شوند و به میدان می‌آیند تا بتوانند ادامه حیات دهند. این گروه از زنان مظلومانه و بی‌سروصدا در نبود حامی و پشتیبان برای زندگی خودشان تلاش می‌کنند و سعی می‌کنند برای فرزندان‌شان تلافی کنند و یک مادر و همراه و دوست خوب برای فرزندان‌شان باشند.

علاوه بر این، مادران جایگزین، در عرصه اجتماع و زندگی شخصی با شکست‌ها و آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر روبرو شده‌اند. این شکست یا از نظر مالی و اقتصادی است و یا اینکه از لحاظ زیستی و اجتماعی زندگی پر تنش را داشته‌اند. این زنان پس از مدت‌ها، با مادر جایگزین شدن می‌توانند روی خوش زندگی را دوباره ببینند و زندگی تازه‌ای شروع کنند. زنانی که در عرصه اجتماع چون مردان فعالیت کرده و اکنون پس از پشت سر گذاشتن زندگی تلخ و تاریک به آرامشی نسبی رسیده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۹ در رابطه با عدم حمایت اجتماعی‌اش می‌گوید:

"زندگی من در حد یک قالی شده بود. از رفاه کامل رسیده بودیم به جایی که حتی چیزی نداشتیم بخوریم."

شاهد مشاهده مشارکتی (عدم حمایت اجتماعی): چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح روز ۹۹/۱۰/۱۵ محل کار شخص. این زن در یک شیرینی‌سازی کار می‌کرد. تمام اعضای خانواده باهم در این کارگاه کار می‌کردند حتی دختر بزرگش که باردار بود. در کنار هم صبحانه می‌خوردند و کانون خانواده‌اشان گرم بود. اما پدر این خانواده به دلیل کم بینا شدن و ناتوانی جسمی در کنار کارگاه ایستاده بود. مادر جایگزین می‌گفت:

"نگاهش نکنید اینقدر سر به زیر شده و نمی‌تونه کاری بکنه، قبلا واسه خودش یلی بوده اما قضای روزگار نداشت و منو با این حجم از کار و فشار زندگی تنها گذاشت."

۴) پاداش اخروی

همان‌طور که گفته شد، اگرچه انگیزه اصلی این مادران مالی است اما آنان از بعد دیگری هم به این مسئله می‌نگرند، که آن بعد، پاداش اخروی این عمل است. به عقیده مادران جایگزین با این کار دعای خیر تا ابد بدرقه راه‌شان بوده و یک کار خیری انجام داده‌اند تا در دنیای آخرت به کارشان

بیاید و در پی آن رضایت خداوند و رضایت بنده خدا را جلب نمایند. مادران به برکت‌دار بودن پول حاصل از رحم اجاره‌ای اشاره کرده و معتقدند این پول به اندازه‌ای برکت دارد که می‌تواند زندگی آنان را زیرورو کند و زندگی به صفر رسیده‌شان را تا حدی از نو شروع کند. مادران از ثواب‌دار بودن این عمل بسیار خرسند هستند و می‌گویند همین که یک کار ثوابی انجام می‌دهند، برایشان کافی است تا در هر دو دنیا زندگی رضایت‌بخشی داشته باشند. به گفته خود مادران، چون به یک خانواده شادی هدیه می‌دهند و دریچه‌ی امیدی به زندگی‌شان باز می‌کنند، همین امر سبب شده است که زندگی خودشان هم تغییر کرده و بهتر شود. به باور این مادران جایگزین، چون خانواده‌های نابارور، هزینه عمل را با رضایت کامل پرداخت می‌کنند، سبب می‌شود تا این درآمدشان از برکت عجیبی برخوردار بوده و بتواند زندگی‌شان را نجات دهد.

بعد معنوی این عمل در بین مادران بسیار ارزشمند تلقی شده که به نظر می‌رسد این برداشت ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. حتی در مواردی شاهد بودیم که مادر جایگزین اصلاً انگیزه مالی ندارد و فقط در پی نجات زندگی خواهرش است. یا حتی در موردی دیگر اصلاً درباره هزینه باهم صحبت نکرده و هر چه دادگاه مشخص کند مورد قبول مادر جایگزین می‌باشد. در مورد دیگر مادر جایگزین می‌گوید همین که دعای خیر در حقم می‌کنند، همین کافی است. چنانچه دیدیم مادران جایگزین ضمن آنکه انگیزه مالی قوی‌ای دارند، اما در کنار این انگیزه اصلی بعد معنوی را هم مورد توجه و در اولویت قرار می‌دهند.

۵) تعهد و مراقبت

منظور از تعهد و مراقبت در اینجا، تعهدی است که مادر جایگزین در طول بارداری درقبال کودکی که در رحم خود دارد، و همچنین نسبت به زوج ناباروری که رحم او را اجاره کرده‌اند، احساس می‌کند. در این احساس تعهد، البته جنبه‌های معنوی نیز دخیل است و دین‌باوری موجب تقویت این احساس تعهد می‌گردد. در بین مادران جایگزین بعد معنوی یاری رساندن به دیگران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در برخی موارد مشاهده شد که فرد نذر می‌کند تا دل شخصی را شاد کند، در مورد دیگر، با دیدن فیلم، حال او دگرگون و منقلب می‌شود و به دل

شخص می‌افتد تا داوطلب این کار شود. مادران جانشین در این مطالعه، به خداوند اعتقاد راسخ دارند و خود را در برابر این کودک و خداوند متعهد می‌دانند. به همین سبب در زمان بارداری نمازهای پنج‌گانه‌ی خود را می‌خوانند، هر روز برای کودک، آیت‌الکرسی و قرآن می‌خوانند و در طول این مدت رابطه خود را با خداوند محکم‌تر می‌کنند. به‌خصوص اگر زوج نابارور هم تأکید کند که در فرائض الهی بیشتر دقت کند تا فرزند حاصل از این مادر رویکرد معنوی و خدادوستانه داشته باشد. هر چند این مادران خود نیز در این باره بسیار دقت می‌کنند تا دینی بر گردن‌شان باقی نماند و وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند تا دعای خیر ابدی بدرقه‌ی راه‌شان باشد و با وجدانی آسوده به زندگی ادامه دهند.

- شماره ۸ در رابطه با حس تعهد معنوی‌اش می‌گوید:

"امید یک پدر و مادر به من هست. اصلاً نمیتونم بی‌تفاوت باشم. سوره یاسین و

آیه‌الکرسی را هر روز واسشون میخونم."

مادران جایگزین نسبت به کودک خیلی متعهد هستند. در رفتارها و اعمال خود مراقبه دارند و به گفته‌ی خودشان، هیچ تفاوتی را با بارداری بچه‌های خودشان، قائل نمی‌شوند، حتی گاهی اوقات، مواظبت بهتر و بیشتر را انجام می‌دهند. زیرا از نظر آن‌ها این کودک امانت مردم هست و امید یک خانواده‌ای به آنان بسته است. در بیشتر موارد شاهد هستیم که ختم قرآن، آیه‌الکرسی و... می‌خوانند. هر چه که مادر اصلی کودک بگوید، برایش می‌خوانند و خیلی مراقب او هستند تا حتی یک ذره از حق کودک نادیده گرفته نشود. حتی همسران‌شان هم نسبت به کودک خیلی احساس مسئولیت می‌کنند و کارهایی که برای بچه‌های خودشان نمی‌کردند، برای این کودک انجام می‌دهند و خیلی مراقبت می‌کنند. این مادران بسیار احساس تعهد به کودک دارند و می‌خواهند فرزند خوبی به زوجین تحویل دهند. مادران می‌خواهند در پیشگاه خداوند دینی بر گردن‌شان نباشد و این عمل شایسته را به نحو احسن انجام دهند. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید:

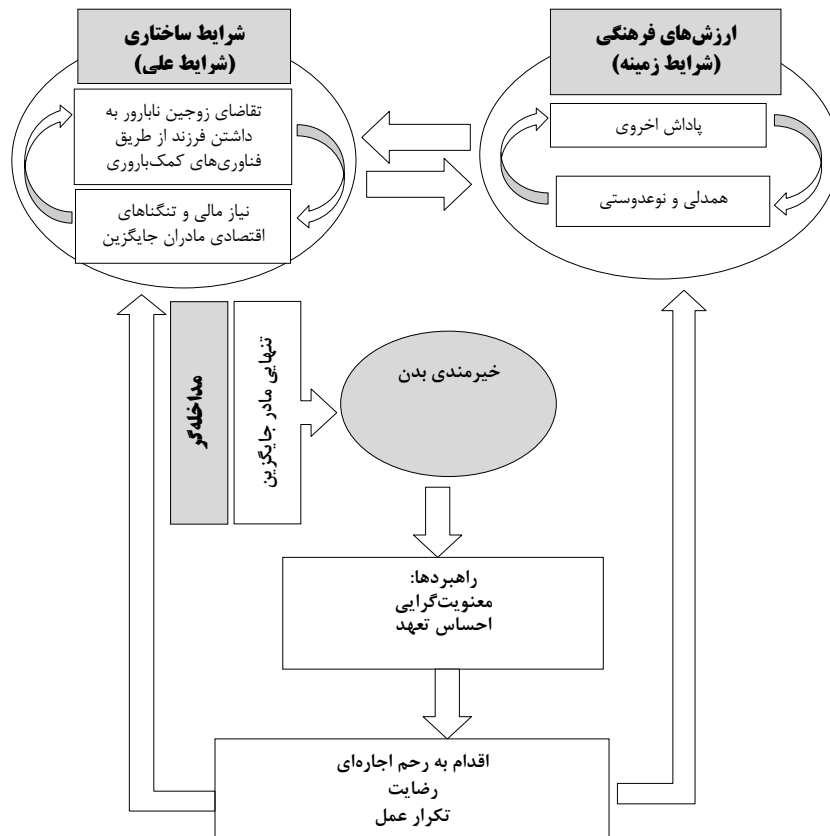
"شوهرم عین بچه خودمون ازم مواظبت می‌کرد و می‌گفت این یک دین هست به

گردنمون. من خیلی چیزها را مراعات کردم. حتی بیشتر از بارداری‌های خودم. چون

مسئولیت داره. از بچه خودم بیشتر مراقبش بودم."

۶) مدل پارادایمی

شکل ۱، مدل پارادایمی احصا شده از مطالعه میدانی حاضر را در خصوص تصمیم‌گیری مادران جایگزین به اجاره رحم نشان می‌دهد که با توجه به برهمکنش شرایط ساختاری، ارزش‌های فرهنگی و شرایط مداخله‌گر ترسیم شده است. براساس مدل، شرایط ساختاری شامل نیاز مالی و عدم حمایت اجتماعی است. ارزش‌های فرهنگی، شامل پاداش اخروی و همدلی می‌باشد که با عامل مداخله‌گر تنهایی سبب تصمیم‌گیری مادران برای اقدام به اجاره رحم و تعهد و معنویت‌گرایی آنان شده است.



شکل ۱- مدل پارادایمی تصمیم به اجاره رحم توسط مادران جایگزین

مدل پارادایمی تحقیق را می‌توان به اختصار این‌گونه تشریح نمود. در بستر اجتماعی فرهنگی و جمعیتی جامعه ایران فرزندآوری به عنوان یکی از ارزش‌های خانواده اهمیت دارد. در سال‌های اخیر با کاهش باروری به زیر سطح جانشینی و در چارچوب سیاست‌های کلی جمعیت، حمایت از زوجین نابارور و دسترسی آن‌ها به تکنولوژی‌های کمک‌باروری مورد تأکید سیاستگذاران حوزه سلامت و جمعیت قرار گرفته است. با توجه به این زمینه فرهنگی و جمعیتی، رحم اجاره‌ای همچون سایر روش‌های نوین درمان ناباروری مورد توجه زوجین نابارور، مراکز درمان ناباروری و رسانه‌های جمعی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، افرادی نیز به عنوان مادران جایگزین تصمیم می‌گیرند رحم خود را به زوجین نابارور اجاره دهند. این افراد انگیزه‌های متعددی دارند. آن‌ها عمدتاً کسانی هستند که درگیر با مسائل مالی و اجتماعی زیادی هستند و از شبکهٔ حمایت اجتماعی قوی برخوردار نیستند. بخشی از این زنان درگیر آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق، سرپرستی خانوار یا نیازهای مالی به هر علتی می‌باشند. با وجود این استثنائاتی نیز در این وجود دارد، به‌طور مثال مشارکت‌کنندهٔ شماره پنج کسی است که برای کمک به خواهرش، چنین کاری کرده است. به جز این استثناء، در تمامی موارد دیگر، زنان با چالش‌ها و مسائل اجتماعی زیادی مواجه بودند که نشان از سرمایهٔ اجتماعی پایین و نیاز اقتصادی بالاست. بنابراین، در کنار بستر و ساختار اجتماعی و جمعیتی کنونی و اهمیت یافتن ناباروری، مهمترین دلیل مادر جایگزین شدن، نیازهای مالی و اجتماعی است. با این حال، این زنان، چه در زمان اقدام و چه بعد از آن سعی در ایجاد منظومه‌ای شناختی مبتنی بر بسترهای فرهنگی و ارزش‌های انسانی برای خود دارند. به‌طور مثال در مورد شماره پنج که خواهری رحم خود را در اختیار خواهر دیگر می‌دهد. اضافه بر این، سایر مشارکت‌کنندگان نیز نوعی احساس رضایت داشتند که نوعی کنشگری خیرخواهانه دارند و می‌توانند با اجاره دادن رحم خود مشکلی را از یک زن دیگر و یک خانواده حل کنند. در همین زمینه آن‌ها پاداش اخروی را نیز در نظر می‌گیرند. بنابراین، نیازها و ضرورت‌های ساختاری و مفاهیم فرهنگی و ارزش‌های متناسب به آن یکدیگر را تولید و بازتولید می‌کنند. در این میان، تنهایی زن که به جز مورد شماره

پنج در ۱۱ مورد دیگر، به علت آسیب‌های اجتماع به نوعی سرپرست خانوار بودند، به عنوان عامل مداخله‌گر، زمینه را برای اقدام به اجاره رحم فراهم می‌کند. پدیدهٔ برساخت شدهٔ تحقیق "خیرمندی بدن" می‌باشد. بدین معنا که بدن زنانه، بستری را برای خیر فردی (منافع حاصل از اجاره رحم که به فرد اجاره دهنده و خانواده‌اش می‌رسد) و جمعی (حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی در میان خانواده‌های نیازمند به رحم اجاره‌ای) فراهم می‌کند. بدن و مصرف آن در باروری، فضایی برای خیر فراهم می‌کند که بخشی از آن به زن اجاره‌دهنده و بخش دیگر به خانوادهٔ اجاره‌گیرنده می‌رسد. چنین نگاهی به بدن و مصرف آن در موضوع باروری، نوعی راهبرد معنویت‌گرایی و تعهدگرایی را برای زن اجاره دهنده فراهم می‌کند. بدین معنا که فرد تلاش می‌کند نهایت مراقبت از جنین را در دوران بارداری انجام دهد و حتی از امور معنوی نیز در این زمینه دریغ نکند. پیامد خیرمندی بدن نیز تکرار اقدام توسط مادر جایگزین، و حل مسئله فردی و اجتماعی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، هدف این مطالعه واکاوی دلایل و انگیزه‌های مادران جایگزین برای تصمیم و اقدام به اجاره رحم، و همچنین فهم احساس تعهدی بوده است که این مادران در طول دوران بارداری درقبال کودک و مراقبت از وی احساس می‌کنند. از آنجا که اهمیت بستر اجتماعی- فرهنگی در شکل دادن به این انگیزه‌ها و فهم آن نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای دارد، تلاش پژوهش حاضر، ارائه یک نظریهٔ زمینه‌ای مبتنی بر بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و شهر یزد بود. تحلیل و بررسی داده‌های میدانی پژوهش حاضر نشان داد که مادران جایگزین دلایل و انگیزه‌های متفاوتی برای تصمیم خود و احساس تعهد و مسئولیت در قبال پذیرش این تصمیم دارند. اگرچه انگیزه‌های اقتصادی و مالی به‌ویژه در اخذ تصمیم اولیه زنان حائز اهمیت است، اما یافته‌های میدانی ما در پژوهش حاضر مبین آن است که از ابتدا تا فرجام این مسیر، یعنی از مرحله آغاز فرآیند اخذ تصمیم قطعی برای اجاره رحم توسط مادران تا زمانی که کودک متولد می‌شود، فرآیندهای پیچیده‌تری طی می‌شود و ترکیب دلایل و انگیزه‌ها نیز نزد مادران

جانشین متفاوت است. این انگیزه‌ها و احساسات شامل انگیزه‌های مالی، احساس همدلی، عدم حمایت اجتماعی، پاداش اخروی، است که با درجات متفاوت جهت‌دهنده رفتارهای مادران جایگزین است.

تحقیقات پیشین در این رابطه، عمدتاً بر انگیزه‌ها و دلایل مالی در بین مادران جانشین تأکید نموده‌اند. به‌عنوان مثال، برپایه تحقیقی که در هند انجام شده است، دلیل اصلی انگیزه مالی بود و زنان به دلیل فقر و بدون توجه به انگ مرتبط با این عمل، اقدام به اجاره رحم کرده بودند. این امر در بین زنانی که از سطح تحصیلات اندکی برخوردار بودند، شایع‌تر بود نتایج این پژوهش حاکی از آن است که جریان تراکنش‌های مالی در این امر، به استثمار بالقوه مالی برای مادران خواهد انجامید (کرندکر^۱ و همکاران^۲ ۲۰۱۴). نتایج مطالعه‌ای دیگر حاکی از آن است که تجاری شدن رحم اجاره‌ای نابرابری‌های جنسیتی، طبقاتی و نژادی را عمیق‌تر می‌کند (رووزی^۳ و همکاران^۴ ۲۰۲۰). یافته‌های این دست مطالعات، توسط دیدگاه‌های مارکسیستی و فمینیستی پشتیبانی می‌شود، در رویکرد مارکسیستی ادعا می‌شود که مادر جانشین شدن، یک اجبار ناشی از فقر بوده (دونچی^۵ ۲۰۱۰، سراونن^۶ ۲۰۱۶) و باعث کالایی شدن زنان و تبدیل شدن آن‌ها به کالاهای مصرفی می‌شود که با فحشا و برده‌داری شباهت نزدیک دارد (کریا^۷ ۱۹۸۶، اسپار^۸ ۲۰۰۶). همچنین رویکرد فمینیستی، عشق بین کودک و مادر را سبب تحقیر شدن مادران می‌داند (آندرسون^۹ ۱۹۹۰، رودمن^{۱۰} ۲۰۱۴).

در میان مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر همسو با سایر مطالعات (گنجعلی خانی و همکاران ۱۳۹۳) انگیزه‌های مالی رایج است با این حال در فرایند تصمیم‌گیری و اقدام دلایل و انگیزه‌های دیگری نیز مطرح است. لذا هرچند در بیشتر موارد، نیاز مالی به‌عنوان محرک اصلی به حساب

1 Karandikar

2 Rozée

3 Donchin

4 Saravanan

5 Corea

6 Spar

7 Anderson

8 Rothman

می‌آید اما اولاً، تنها انگیزه نبوده و ثانیاً افرادی هم بودند که اصلاً انگیزه مالی نداشتند. این یافته در مطالعات پیشین (گرمارودی ۱۳۸۷؛ پارکر^۱ ۱۹۸۳) نیز نشان داده شده است. برای زنانی که با اولویت انگیزه‌های مالی تصمیم خود را اخذ کرده بودند، دلایلی مانند حس همدلی، عدم حمایت اجتماعی، پاداش اخروی نیز با درجات مختلف اهمیت داشت. در دیدگاه‌های مارکسیستی بر بیگانگی و کلایی شدن زنان تأکید می‌شود. در صورتی که براساس یافته‌های این تحقیق، مادر جایگزین نه تنها کالا نیست، بلکه با نیات و انگیزه‌های نועدوستانه و خداباورانه به‌عنوان یک شخص مورد احترام، به دیگران زندگی و معنا می‌بخشد و شخصیتی خیر و کمک‌رسان دارد. همچنین برخلاف دیدگاه فمینیستی، باید گفت که میل به فرزند، یک غریزه فطری و خدادادی است. پس فرآیندی نیست که بتوان زن را تحقیر کرد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی ریشه‌دار جامعه ما، مادر جایگاه ویژه و قابل احترامی دارد. تفسیر زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق نیز با چنین دیدگاهی به اقدام خودشان برای داوطلب شدن به‌عنوان مادر جایگزین، اساساً همخوانی ندارد و فاصله تاریکی دارد. علاوه براین، در ارتباط با نظریه توانمندسازی، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از تمایل مادران جایگزین به استقلال‌طلبی و حفظ استقلال مالی در زندگی فردی و اجتماعی بود. چنین روحیه‌ای را حداقل در میان مادران جایگزین مشارکت‌کننده در این پژوهش شاهد بودیم. وجود همین روحیه، سبب می‌گشت تا زندگی آسیب‌دیده خود را نجات دهند و تلاش نمایند که روی پای خود بایستند. لذا همسو با یافته‌های ویلکیسون (۲۰۰۳) و پودری (۱۹۸۹) مادر جایگزین شدن، ظرفیتی را برای توانمندی آن‌ها فراهم کرده و به ارتقاء پایگاه آنها در جامعه کمک نموده است.

تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که بعد اقتصادی در انگیزه تصمیم به اجاره رحم، اهمیت بالایی دارد و احتمالاً مهمترین انگیزه است که یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است. اما براساس یافته‌های میدانی این مطالعه، انگیزه‌های مالی، تنها انگیزه و همه چیز نیست! در کنار بعد مالی و اقتصادی که مادران جایگزین برای کسب درآمد، دستیابی به استقلال فردی و اجتماعی و

عدم وابستگی به دیگران به آن روی می‌آورند، انگیزه‌های مهم دیگری نیز وجود دارد. سهم مطالعه حاضر در: ۱- واکاوی سایر دلایل و انگیزه‌های ثانوی و مهم مادران جایگزین بود که تصمیم و کنش خود را در چارچوب آن تفسیر و ارزیابی می‌کردند و ۲- احساس مراقبت و تعهدی بود که مادران جایگزین در طول دوران حاملگی، در قبال زوج نابارور اجاره‌کننده رحم و نیز در قبال جنینی که در رحم خود بزرگ می‌کردند، داشتند. ما در این تحقیق نشان دادیم اقدام مادران جایگزین به اجاره رحم، اگرچه در بیشتر موارد در جهت رفع نیاز مالی صورت می‌گیرد، اما این اقدام، به شیوه‌ای نیست که کودک را صرفاً ابزاری در جهت رفع نیاز بدانند. حال آنکه این مادران، نسبت به کودک مهربان و دلسوزند و در مواردی حتی شاهد پیوند عاطفی بین کودک و مادر هستیم. بگونه‌ای که مادر جانشین خود را مادر کودک تلقی خواهد کرد.

شرکت‌کنندگان تحقیق حاضر، همگی حسی از دلسوزی و نועدوستی را در مورد زوجین نابارور ابراز می‌کردند. آن‌ها ظاهراً با تصمیم به اجاره رحم از یکسو می‌خواهند در جهت منافع مالی خود حرکت کنند، از سوی دیگر، به قول خودشان، مایل‌اند یک مادری که هیچ‌گاه قرار نیست مادر بشود را دل‌شاد کنند و از این طریق برای آخرت خود ثوابی کسب کنند. همچنین، در میان مشارکت‌کنندگان تحقیق، افرادی بودند که تنها زندگی می‌کردند و با این کار توانسته بودند خلاء تنهایی خود را پر کرده و دوستان زیادی پیدا کنند و ضمن ورود به شبکه حامی دوستان جدید، از این طریق کسب درآمد نیز داشته باشند. یکی از دلایل رحم اجاره‌ای که در بین زنان مطلقه و بیوه بسیار مشهود بود، عدم حمایت اجتماعی است، برخی از این زنان از خانواده طرد شده بودند به همین جهت خود را حتی از جامعه هم طرد شده به حساب می‌آوردند و معتقد بودند نگاه افراد به زن مطلقه و بیوه، ناپسند است به همین جهت خود را جدا از اجتماع نگه می‌دارند و از طریق مادر جانشین شدن هم کسب درآمد کرده و هم دیگر مجبور نیستند که بیرون از خانه بروند. یافته‌های این بخش از مطالعه با نظریه برچسب‌زنی و طرد اجتماعی همسو و قابل تبیین است. در واقع، این زنان با ورود به فرایند رحم اجاره‌ای، سطح حضور و مشارکت خود را در اجتماع کاهش می‌دهند. در مواردی، زنان مجبور به ترک

شهر خود کرده و در آن شهر از حس استقلال سرشاری برخوردار بودند و جایگاه خود را رفیع می‌پنداشتند. چرا که توانسته بودند باعث ایجاد تجربه مادرشدن در یک زن نابارور شوند و این نتیجه را بهترین هدیه الهی برای خود می‌دانستند. مادران جانشین به خیر و برکت‌دار بودن درآمد حاصل از این کار، باوری راسخ دارند. آنان می‌گویند چون دل یک فردی شاد می‌شود و آن پول را با رضایت کامل پرداخت می‌کند، همین امر سبب می‌شود تا مال‌شان برکت کرده و خیرسان باشد.

یافته دیگر این مطالعه تعهد و مراقبتی است که مادران جانشین نسبت به کودک داشتند، آن‌ها علاوه بر اینکه به سلامت جسمی خود و جنین توجه داشتند، برای سلامت روح و روان جنین نیز اهمیت زیادی قایل بودند. آن‌ها با اشاره به اینکه مادر و جنین در دوران بارداری ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند، برخی اعمال و مناسک مذهبی نظیر قرآن خواندن برای جنین با صدای بلند، ذکر دعا و نیایش و انجام اعمال عبادی، هدیه صلوات از جانب جنین به ائمه اطهار را به‌جا آورده بودند. این مادران خود را در برابر کودک موظف دانسته و سعی می‌کنند حق کودک را به جای آورند، آنان برای کودک ختم قرآن گذاشته، چادر می‌پوشند، کفش راحتی پوشیده و در طول بارداری با کودک حرف می‌زنند. گویی آن کودک، جزئی از خانواده‌شان می‌شود و تمام افراد خانواده طی دوران بارداری با او همراه می‌شوند و از وی مراقبت می‌کنند تا این امانت را صحیح و سالم تحویل والدینش بدهند. این‌گونه اعمال باعث می‌شود آن‌ها جنین را مانند فرزند خویش دانسته و ارتباط عاطفی بین‌شان بیشتر برقرار شود. هر چند در برخی مواقع، این احساس عمیق شده و حتی موجب افسردگی پس از زایمان شده و احساس فراق و از دست‌دادگی پیدا کرده‌اند. مادران، حتی بعد از زایمان نیز برای این کودکان مانند فرزندان خویش دعا می‌خواندند و آرزوی سلامتی و عاقبت به‌خیری برای‌شان داشتند. براساس تحقیقات میدانی پژوهش حاضر، این امر مشهود بود که حتی همسر مادر جانشین خیلی از کارها را انجام می‌داد تا همسرش به سلامتی این کودک را تحویل بدهد. همسران، اگرچه در ابتدا مخالفت می‌کنند، اما با گذشت زمان و آگاهی کامل نسبت به این کار موافقت می‌کنند. از آنجا که رضایت همسر در

این مورد بسیار مهم است، همسران این مادران با رضایت کامل این اقدام را پذیرفته و قدم به قدم با همسرشان همراه می‌شوند و این تعهد را به مثابه یک دینی می‌دانند که بر گردن آنهاست و باید این امانت را سالم به خانواده‌اش بدهند.

یافته‌ها حاکی از این است که از نظر پاسخگویان این مطالعه، رضایت خداوند در زندگی موضوع مهمی است و مادر جانشینی عملی است که چون منجر به تحکیم روابط زناشویی زوج نابارور می‌شود و فرآیند پدر و مادر شدن را برای این زوجین تسهیل می‌کند، رضایت خداوند را به دنبال دارد. آنها بارداری موفق خود را توفیق الهی می‌دانند و کمک به رسیدن به حس خوب مادر شدن سایر هموعان را تجربه مثبت از مادر جانشینی درک کرده‌اند و همین تجربه مثبت انگیزه‌ای برای تکرار داوطلبی رحم اجاره‌ای برای آنها بوده است.

در مجموع، می‌توان فرآیند اجاره رحم را به مثابه یک تلاش مشترک بین دو طرف این قرارداد تفسیر نمود. به گونه‌ای که از یک طرف زوج نابارور دارای فرزند می‌شوند و زندگی تازه‌ای شروع می‌کنند، از طرف دیگر مادران جایگزین نیز به تمایلات خود دست می‌یابند. پس این یک معامله دوسویه‌ای است که هر دو طرف سود می‌برند. البته نه فقط معامله تجاری و پولی. با این تفاوت که، انگیزه زوجین در تمام موارد داشتن فرزند است، ولی انگیزه مادران جانشین می‌تواند متفاوت باشد و در شکل دادن به این انگیزه‌ها، بستر فرهنگی - اجتماعی نقش کلیدی و مهمی دارد. در بستر اجتماعی تحقیق ما در شهر یزد، اگر انگیزه مادران را به انگیزه‌های مالی صرف محدود نماییم، احساس تعهد و جنبه‌های معنوی دخیل در فرآیند تصمیم‌گیری و اقدام مادران به پذیرش نقش مادر جانشین قابل تبیین نخواهد بود. بخشی از این احساس تعهد و معنویت‌گرایی از فرهنگ تاریخی خداباوری و دین‌باوری ریشه‌دار در یزد نشأت می‌گیرد که بر اهتمام و تعهد به اخلاق کاری و اهمیت کسب روزی حلال تأکید دارد و پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی دیگر نیز به آن اشاره داشته‌اند (مرشدی و علی‌نژاد، ۱۳۹۸؛ پاپلی یزدی، ۱۳۹۹) این نتیجه در مدل پارادایمی احصا شده پژوهش حاضر با عنوان کلی خیرمندی بدن حاصل شد که نشان‌دهنده همان ارتباط دوسویه بین مادران و زوجین نابارور است. مادر جایگزین از یک طرف از طریق

بدنش به دیگران خیر می‌رساند و سبب خوشحالی آن‌ها می‌شود و از طرف دیگر کسب درآمد حلال می‌کند.

در انتها، اشاره به چند نکته لازم است: نخست آن‌که، تجربه انگ، طرد و انزوای مادران جانشین عموماً به جهت عدم شناخت و آشنایی کافی سطوح مختلف جامعه از فناوری‌های نوین فرزندآوری به‌طور اعم و رحم اجاره‌ای به‌طور اخص است. با فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در مورد رویکردهای دینی، عرفی و شرعی و قانونی مرتبط با رحم اجاره‌ای بخشی از مشکلاتی که این فناوری در بستر فرهنگی اجتماعی جامعه ایران با خود می‌آورد، مرتفع می‌گردد. دوم آن‌که، تجارب مشارکت‌کنندگان تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه مالی شدید برخی از این زنان، این محیط را تبدیل به بازار کرده است. به منظور پیشگیری از بروز مسائل متعدد جسمی، روانی و مالی تنظیم قوانینی مشخص و مورد توافق با در نظر داشت جنبه‌های دینی، و اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین نظام‌های حمایتی و رفاهی باید طوری تقویت شوند تا انگیزه مالی به مهم‌ترین اولویت در این زمینه تبدیل نگردد.

سوم آن‌که، علم و فناوری‌های نوین پزشکی و باروری، در کانون تحولات زندگی مدرن قرار دارند و بسیاری از پدیده‌ها و مفاهیم عمده اجتماعی به نحوی بازتعریف و بازتولید می‌کنند که بیشترین اثربخشی را بر زندگی و وقایع و معانی بیولوژیک و اجتماعی انسان امروزی داشته باشد (قاضی طباطبایی و وداد هیر ۱۳۸۷: ۱۴۸). آشکار است که فرزندآوری با کمک فناوری‌های کمک باروری سعی در فاصله‌گیری از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. آن‌چنان‌که به نظر می‌رسد در این شرایط نقش فرزندآوری به خارج از نهاد خانواده تفویض گشته و شاهد ظهور خانواده‌هایی هستیم که اتصال کاملی با فرزندان خود ندارند. این اشکال نوظهور فرزندآوری، در چارچوب تعریف فرهنگی رایج خانواده که به‌طور سنتی در جامعه ایران وجود داشته است، نمی‌گنجد. لذا موضوع فناوری‌های نوین کمک باروری از جمله رحم اجاره‌ای و توسعه روزافزون کاربرد آن، علاوه بر مسائل قانونی و حقوقی

دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی مختلفی است، از این رو همچنان انجام تحقیقات اجتماعی گسترده‌تر و عمیق‌تری در ابعاد فرهنگی و اجتماعی این پدیده ضرورت دارد.

سپاسگزاری: داده‌های این مطالعه بخشی از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول مقاله است که با حمایت پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد انجام شده است. نویسندگان مراتب سپاس خود را از خانم دکتر راضیه دهقانی فیروزآباد، آقای دکتر عباس افلاطونیان و سایر کارکنان پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد و همه مادرانی که در این مطالعه شرکت نمودند، اعلام می‌دارند.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۹۹). *شازده حمام*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- دادخواه، نسترن، اصغر عسکری‌خانقاه، علی باصری و فریبا میراسکندری (۱۳۹۹) فرهنگ رحم اجاره‌ای در جامعه ایرانی شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۸، شماره ۲، صص: ۱۵۲-۱۱۱.
- رهبر معظم انقلاب (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳). سیاست‌های کلی جمعیت، دسترسی آنلاین: <https://khl.ink/f/26440>
- صادقی حمیدرضا، حکیمه ملک‌احمدی (۱۳۹۲) پدیدارشناسی تجربیات مادران جایگزین در زمینه اجاره رحم. *مطالعات زن و خانواده*. دوره ۱، شماره ۲، صص: ۱۵۳-۱۳۵.
- قاضی طباطبایی، سید محمود و ابوعلی ودادهیر (۱۳۸۷) "رحم جایگزین: تأملی ساخت‌گرایانه بر پزشکی شدن مادری." *فصلنامه باروری و ناباروری*، سال ۹، شماره ۲، صص: ۱۶۴-۱۴۴
- گرمارودی، شیرین (۱۳۸۷). "سخنی پیرامون رحم جایگزین در ایران." *فصلنامه باروری و ناباروری*، دوره ۹، شماره ۱، صص: ۶۴-۵۰.
- گنجعلی‌خانی، مریم‌السادات، کیارش آرامش و محمد بابائی (۱۳۹۳) روش کمک باروری مادر جایگزین در ایران: تجاری یا انسان دوستانه؟. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ۱۶ (۸): ۱۳-۱۸.

- علیوردی‌نیا، اکبر، حیدر جانعلیزاده چوب‌بستی و آزاده جعفری (۱۳۹۱)، تحلیل اجتماعی نقش انگ‌زنی غیررسمی در نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۴، صص: ۱۸-۱.
- محبی کیان، انسیه، هدیه ریاضی و سعید بشیریان (۱۳۹۲)، رحم جایگزین: از دیدگاه زنان نابارور، *مجله زنان، مامایی و نازایی ایران*، دوره ۱۶، شماره ۴۹، صص: ۳۲-۲۳.
- مرشدی ابوالفضل و منوچهر علی‌نژاد (۱۳۹۸) اخلاق اقتصادی یزدی‌ها: سازگاری فعالانه، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۴، صص: ۱۳۷-۱۱۱.
- Abbasi-Shavazi, M. J., Inhorn, M. C., Razeghi-Nasrabad, H. B., & Toloo, G. (2008). The "Iranian ART Revolution" infertility, assisted reproductive technology, and third-party donation in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Middle East Women's Studies*, 2(4): 1-28.
- Alamin, S., Allahyari, T., Ghorbani, B., Sadeghitabar, A., & Karami, M. T. (2020). Failure in identity building as the main challenge of infertility: a qualitative study. *Journal of Reproduction & Infertility*, 21(1), 49-58.
- Anderson, E. S. (1990). Is Womens Labor a Commodity?, *Philosophy & Public Affairs*, 19(1): 71-92.
- Arvidsson, A., P. Vauquiline, S. Johndotter & B. Essén (2017), Surrogate mother – praiseworthy or stigmatized: a qualitative study on perceptions of surrogacy in Assam, India, *Global Health Action*, 10 (1), 13288.
- Arneson, R. (1992), Commodification and Commercial Surrogacy. *Philosophy and Public Affairs*, 21: 132–164.
- Belliotti, R. A. (1988). Marxism, Feminism, and Surrogate Motherhood, *Social Theory and Practice* 14(3): 389-417.
- Berend, Z. (2012), The Romance of Surrogacy. *Sociological Forum*, 27: 913-936.
- Cook, R., Sclater, S. D., & Kaganas, F. (2003). *Surrogate Motherhood: International Perspectives*. Bloomsbury Publishing.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage publications.
- Corea, G. (1986). *The Mother Machine: Reproductive Technologies from Artificial Insemination to Artificial Wombs*. HarperCollins Pub.
- de Waal, E., & McCarrey, J. (2018). Effects of exogenous endocrine stimulation on epigenetic programming of the female germline genome. *Animal Reproduction*, 7(3), 154-164.
- Donchin A. (2010). Reproductive Tourism and the Quest for Global Gender Justice. *Bioethics*, 24(7), 323–332.

- Goffman, E. (1959). *The Presentation of Self in Everyday Life*. Garden City: Doubleday Anchor Books.
- Golombok, S., Murray, C., Jadv, V., MacCallum, F., & Lycett, E. (2004). Families Created Through Surrogacy Arrangements: Parent-Child Relationships in the 1st Year of Life. *Developmental Psychology*, 40(3), 400-411.
- Gugucheva, M. (2010). *Surrogacy in America*. Cambridge, MA: Council for Responsible Genetics Cambridge,
- Gunnarsson Payne, J., Korolczuk, E., & Mezinska, S. (2020). Surrogacy relationships: a critical interpretative review. *Upsala Journal of Medical Sciences*, 125(2), 183-191.
- Hartsock N.C.M. (1983) The Feminist Standpoint: Developing the Ground for a Specifically Feminist Historical Materialism. In: Harding S., Hintikka M.B. (eds), *Discovering Reality*. Synthese Library, vol 161. Springer, Dordrecht.
- Karandikar, S., Gezinski, L. B., Carter, J. R., & Kaloga, M. (2014). Economic Necessity or Noble Cause? A Qualitative Study Exploring Motivations for Gestational Surrogacy in Gujarat, India. *Affilia*, 29(2), 224-236.
- Marx, Karl (1844[1992]). "Economic and Philosophical Manuscripts". Early Writings. (Translated by Livingstone, Rodney; Benton, Gregory). London: Penguin Classics.
- Mitchell, A., & H. C. Fantasia (2016). Understanding the effect of obesity on fertility among reproductive-age women. *Nursing for Women's Health*, 20(4), 368-376.
- Overall, C. (1987), *Ethic and Human Reproduction*, Winchester, Mass: Allen & Unwin
- Parker, P. J. (1983). Motivation of surrogate mothers: Initial findings. *The American Journal of Psychiatry*, 140(1), 117-118.
- Payton, A. R., & Thoits, P. A. (2011). Medicalization, Direct-to-Consumer Advertising, and Mental Illness Stigma. *Society and Mental Health*, 1(1), 55-70.
- Purdy, L. (1989), Surrogate Mothering: Exploitation or Empowerment? *Bioethics* 3: (32), 18-34.
- Rothman, B. K. (2014), The Legacy of Patriarchy as Context for Surrogacy: Or Why Are We Quibbling Over This?, *The American Journal of Bioethics*, 14(5), 36-37.
- Rozée, V., Unisa, S., & de La Rochebrochard, E. (2020). The social paradoxes of commercial surrogacy in developing countries: India before the new law of 2018. *BMC women's health*, 20(1), 1-14.
- Saravanan, S. (2016). Humanitarian' thresholds of the Fundamental Feminist Ideologies: Evidence from Surrogacy Arrangements in India. *AnALize: Revista de studii feministe* 6 (20): 66-88.
- Spar, D. (2006). *The Baby Business: How Money, Science, and Politics Derive the Commerce of Conception* Harvard Business School Press. Boston, Massachusetts.

- Silver, H. (2007), "Social Exclusion", in G. Ritzer (ed.) *The Blackwell Encyclopedia of Sociology*, Malden, MA: Blackwell Pub., pp: 4419- 4421.
- Teman, E. (2009). Embodying surrogate motherhood: pregnancy as a dyadic body-project. *Body & Society*, 15(3), 47-69.
- Teman, E., & Berend, Z. (2018). Surrogate non-motherhood: Israeli and US surrogates speak about kinship and parenthood. *Anthropology & Medicine*, 25(3), 296-310.
- Thompson, D. (2001). *Radical Feminism Today*. Sage Publications Ltd.
- Toschi, P., Czernik ,M., Zacchini, F., Fianza, A., Loi, P., & Ptak, G. E. (2016). Evidence of placental autophagy during early pregnancy after transfer of in vitro produced (IVP) sheep embryos. *PLoS ONE*, 11(6), e0157594.
- Tremayne, S. & Mohammad Mehdi Akhondi (2016), Conceiving IVF in Iran, *Reproductive Biomedicine & Society Online*, 2: 62-70.
- Whittaker, A., Inhorn, M. C., & Shenfield, F. (2019). Globalised quests for assisted conception: Reproductive travel for infertility and involuntary childlessness. *Global Public Health*, 14(12), 1669–1688.
- Wilkinson, S. (2003). The Exploitation Argument Against Commercial Surrogacy. *Bioethics*, 17(2), 169–187.

Original Research Article ■

Surrogate Mothers, Decision Motivations and Sense of Commitment: A Grounded Theory

Zahra Ghane-Mokhallesouni¹, Hajiieh Bibi Razeghi-Nasrabad^{*2}, Abbas Askari-Nodoushan³, Ahmad Kalateh-Sadati⁴

Abstract Surrogacy is one of the new assisted reproductive technologies (ART). The purpose of this study is to fill one of the research gaps in this area, i.e. the motivations of surrogate mothers and their commitment to the baby during pregnancy and delivery. The study was conducted using the qualitative method and the grounded theory approach. Data were collected using two techniques of participatory observation and semi-structured interviews with 12 surrogate mothers. The data were analyzed based on open, axial and selective coding and a paradigm model was presented. According to the findings, in the Iranian cultural context where infertility has long been a problem, the economic needs and hardships of surrogate mothers, the desire and demand of infertile couples to have children through assisted reproductive technologies act as structural components. The cultural values of the society such as religiosity and altruism are other motivations. The most important intervening factors are loneliness, limited social network and low social support, which have provided the basis for the phenomenon of "benevolent body/ *kheirmandi badan*". This means that surrogate mothers feel a great responsibility to care for the fetus. They try to take care of the fetus both physically and spiritually. Therefore, here we see a kind of mutual benevolence and usefulness, with the female body being the main mediator.

Keywords Rented womb, infertility, surrogate motherhood, benevolent body, feeling lonely, social support.

Received: 2022.01.26

Accepted: 2022.02.27

1 MA Student in Anthropology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, zahraghane2@gmail.com

2 Associate Professor in Demography, National Institute of Population Research, Tehran, Iran, (Corresponding Author), hajiieh.razeghi@nipr.ac.ir

3 Associate Professor in Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, aaskarin@yazd.ac.ir

4 Associate Professor in Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran, asadati@yazd.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.547593.1217>